

پاپ مرد اما

بقیه از صفحه ۷

طلیبد. " این گونه آشکارا مردم را فریب دادن و همدستی کلیسا و فاشیسم را حاشا کردن و آنان را مخالف نازیسم جا زدن، سیاستی گویلیزی است.

اما پاپ ژان پل دوم به اندازه کافی از خود میراث به جا گذاشته است که آیندگان بدانند او چگونه سیاستمدار مذهبی ای بود. مخالفت آشکار او با استفاده از کاندوم برای جلوگیری از بیماری ایدز، یک عامل اصلی رد گسترش این بیماری قرن در جهان کاتولیک به شمار می رود. او در این کشتار جانب ویروس را گرفت تا کمپانیهای داروسازی که سالها میلیاردها دلار از این محل به جیب می زدن، صدقات بیشتری بدهند. از نظر کلیسا، انسان گنه کار سزایش همان چیزی است که "اچ آی وی" به او ارزانی می داد: مرگی وحشتناک و غیر قابل پیشگیری. مخالفت او با برابری حقوق زنان حتی در سلسله مراتب کلیسایی، یکی دیگر از نمونه های تحجر وی بود. او همجنس گرایی را محکوم می کرد و از مخالفان سرسخت حق سقط جنین بود و آنرا دخالت در کار خداوند اعلام کرد. آخرین پرده ی دست درازی او به حق مسلم انسانها، مخالفت با حق طلاق بود که در سال ۲۰۰۳ آنرا اعلام کرد. او در این کار تا آنجا پیش رفت که کاتولیکهایی که طلاق گرفته اند را در صورتی که بخواهند دوباره ازدواج کنند، از حق مراسم مذهبی محروم کرد. سفرهای پی در پی او به کشورهای مختلف و سخنرانیهایش برای پیروان مذاهب دیگر به این امید بود که آنان را از گمراهی نجات دهد و پایه های مذهب خود را استوار تر و محکم تر نماید. امروز او نیست اما میراثش که حاصل یک تبانی بزرگ یعنی، بازگشت دوباره مذهب به عرصه سیاست و اجتماع است، باقی مانده. او تا آخرین دقایق عمرش لحظه ای از قدرت بدست آورده فارغ نبود و تا آخرین قطره آنرا سرکشید.

جرج بوش، رییس جمهور آمریکا که خود متعصب مذهبی به حساب می آید، در پیامی به مناسبت درگذشت پاپ ژان پل دوم می گوید: "کلیسای کاتولیک شبان خود را از دست داد. جهان، قهرمان آزادی انسان را از دست داد و خدمتکار خوب و با ایمان خدا به خانه فرا خوانده شد."

آنانی که مردم را گوسفندی دانند و خود را شبان آنان می نامند، درک شان از اجتماع انسانی چیزی معادل یک واحد دامداری است.

البرادعی، بر علیه اپوزیسیون و مدافع رژیم

جعفر پویه

آخرین دور مذاکرات سه کشور اروپایی و مقامات رژیم در فرانسه بدون نتیجه پایان یافت. این درحالی است که سیروس ناصری نماینده رژیم در این مذاکرات بر ادامه غنی سازی اورانیوم از سوی رژیمش تاکید کرد و گفت که آنها حاضر نیستند تا از این کار خود دست بردارند. اما روز قبل از این جلسه، محمد البرادعی رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی از آمریکا خواست تا به دولتمردان ایرانی تضمین های امنیتی لازم را بدهد. این درحالی است که ظاهرین اروپا حاضر است که به رژیم چنین تضمینی را در ازای تعلیق غنی سازی بدهد. اما این تضمین امنیتی چیست که رژیم این همه بر روی آن تاکید می کند؟ از ظاهر قضیه بر می آید که حکومت آخوندی از حمله نظامی آمریکا و اسرائیل می ترسد و خواهان عدم اجرای آن است. اما اگر اینگونه باشد پس اروپا چگونه می تواند چنین تضمین امنیتی ای را بدهد؟ واقعیت امر بر این است که رژیم از قیام مردم بر علیه خود وحشت دارد و می داند که در صورت چنین اتفاقی، نیروهای اپوزیسیون می توانند توانایی های خود را بکار گیرند و با بدست آوردن حمایت های بین المللی و کمک و مساعدت مردم در داخل و رهبری جنبش آنها، برای همیشه شر رژیم را بکنند. به همین دلیل است که ملایان با یک طرح حساب شده وارد عرصه بین المللی شده اند و در ازای عدم انجام یک عمل جنایتکارانه، خواستار محدود کردن نیروهای اپوزیسیون و جلوگیری از فعالیتهای آنان می شود. یعنی تضمین امنیتی به جز دستگیری و زندانی کردن نیروهای فعال سیاسی و یا تحویل دادن آنها به رژیم چیز دیگری نیست. همین تضمین هنگامی از جانب آمریکا شدنی است که آنها تمام نیروهای مجاهدین خلق را که در عراق تحت کنترل دارند به رژیم تحویل دهند تا دیگر کسی نباشد که امنیت آنها را تهدید کند. بنابراین درخواست البرادعی برای تضمین، چیزی جز یک خوش خدمتی به رژیم و فعال شدن بر علیه اپوزیسیون آن نیست. باید با پیش گرفتن چنین سیاستی به شدت مقابله کرد و نگذاشت تا کمیسیون های مختلف سازمان ملل به ضد خود تبدیل شوند و البرادعی آژانس بین المللی انرژی اتمی را به مرکزی برای تصمیم گیری بر علیه اپوزیسیون و نیروهای مترقی ایرانی تبدیل کند.

۴ فروردین ۱۳۸۳

پائین کشیدن فیتیه ساتنریفیوز تا اطلاع ثانوی

لیلا جدیدی

پس از پایان مذاکرات رژیم مالاها با اتحادیه اروپا، اظهار نظرهای بدین قرار بود که دیپلماتهای نزدیک به این اتحادیه، رژیم را این بار در مذاکرات "جدی" دیده اند. از سوی دیگر، ژان باتیست ماته، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه، گفتگوها را "مثبت و سازنده" ارزیابی کرد. برای معامله گران اعزامی از جمهوری اسلامی نیز، در هنوز به روی همان پاشنه قدیمی می چرخد؛ کش دادن قضیه همواره دومین گزینه آنها بعد از تلاش به منظور ماست مالی کردن کل آن به شمار می آمده است.

اما همه این دلگرمیها از این روست که مالاها به ۵۰۰ تا ۲هزار ساتنریفیوز برای غنی سازی در برابر خواست اولیه اشان که ۵۴ هزار ساتنریفیوز بود، راضی گشته اند. این کوتاه آمدن برای اروپاییها به منزله نشانه ای از تسلیم است و نکته مثبتی که به آن اشاره می کنند را نیز از همینجا گرفته اند. بنابراین، طلب فرصت کرده تا خبر را به آمریکا رسانده و پاسخ احتمالی "نه" را از او بگیرند.

ملاهای تبهکار که مردم ایران را با زور سلاح و خشونت و سرکوب به ستوه آورده اند، تصور می کنند در صحنه بین المللی که زورشان نمی رسد می توانند به موش و گربه بازی تا ابد ادامه دهند. آنها گمان می کنند تا به حال آمریکا و اروپا سعی کرده اند، به مرگ بگیرند تا مالاها به تب راضی شوند و بالاخره تسلیم خواهند شد.

هر کودکی هم می تواند در ذهنش این محاسبه را انجام دهد که هنگامی که مالاها هم سطح با مساله فعالیت های هسته ای، دلمشغولی امنیتی خود را مطرح می کنند، نظرشان استفاده از سلاح هسته ای برای حفظ امنیت خودشان است. حال این سوال پیش می آید که آیا پایین بردن مقدار ساتنریفیوز، امنیت رژیم را هم پایین نخواهد برد؟ آیا فیتیه کم مقدار ساتنریفیوز، همواره و همزمان با کاهش ضریب امنیت رژیم مالاها بالا نخواهد رفت؟

۶ فروردین ۱۳۸۳